

تاریخ ایجاد زبان افغانی (پشتو) و قواعد آن

ترجمه توسط رحمت الله روند

نویسنده: ساتسایف البرز باترویچ

نامزد داکتر علوم فلسفی، کارمند ارشد علمی دانشگاه پژوهش های علوم اجتماعی اسپتای شمالی.

در این مقاله تحلیلی و پژوهشی علل ضعف تشکیل قواعد ادبی زبان افغانی و همچنان دورنمای رشد بعدی آن مطالعه و بررسی میشود. علل اساسی این موضوع قبل از همه در ویژه گی های تاریخی تشکیل ملیت افغان که یکی از شاخه های بزرگ مردمان ایرانی زبان را تشکیل میدهد و از نگاه تعداد یکی از بیست ملیت بزرگ جهان محسوب میشود، نهفته است. نخستین دولت مستقل افغانی بنام امپراتوری درانی در سال ۱۷۴۷ تشکیل گردید، اما زبان افغانی فقط در سال ۱۹۳۶ حثیت زبان رسمی دولتی را کسب کرد. قواعد نوشتاری و ادبی زبان افغانی هنوز در میانه سده شانزدهم هنگامی که آثار ادبی ارزشمند به این زبان ایجاد گردید، بنیان گذاری شد. اما نظر به علل گوناگون روند ایجاد قواعد ادبی زبان افغانی تا هم اکنون به پایه تکمیل نرسیده است.

واژه های کلیدی: زبان افغانی (پشتو)، افغانستان، پاکستان، لهجه قندهاری، لهجه پشاور، لهجه جنوبی، امپراتوری درانی، پشتون های خاوری، ایجاد قواعد زبان پشتو، نهاد فرالجه یی. زبان افغانی (پشتو) یکی از زبان های عمده و مهم زبان های ایرانی بوده و عمدتاً در ساحه افغانستان و پاکستان مردم به آن صحبت می کنند. در قلمروی افغانستان گوینده گان زبان افغانی به صورت تقریبی چهارده ملیون نفر بوده، کمتر از پنجاه در صد نفوس کشور را تشکیل میدهند. (۱، ص. ۴۶).

تعداد پشتون ها در پاکستان بیشتر از سی و یک ملیون نفر است و هفده فیصد نفوس آن کشور را دربر میگیرد. در سایر کشورها (مانند: ایران، هندوستان، کشور های اروپایی و غیره) نیز یک تا یک و نیم ملیون نفر اهالی پشتون تبار اقامت دارند. بدین ترتیب رقم عمومی اهالی پشتون در جهان به چهل و پنج ملیون نفر بالغ گردیده و از نگاه تعداد یکی از ملیت های بزرگ ایرانی زبان را تشکیل میدهند. (۲، ص. ۲۸۵).

زبان افغانی (پشتو) در پهلوی زبان فارسی دری، زبان رسمی کشور افغانستان است. نام افغانستان به صورت دقیق معنای «کشور افغانها» را میرساند، مگر تنها افغان ها به صورت قطع یگانه مردمی نیستند که در این کشور سکونت دارند، بلکه در ساحه افغانستان مردمان متعدد و گوناگون دیگر، مانند تاجیک ها، ازبک ها، هزاره ها، ترکمن ها، بلوچ ها، نورستانی ها و سایرین نیز از گذشته های خیلی دور متوطن اند، که به زبان های گوناگون به ویژه به لهجه فارسی دری تکلم میکنند. (۶، ص. ۳۰۲). اما پشتون ها در پاکستان از نگاه تعداد پس از پنجابی ها ملیت دوم را تشکیل میدهند. در ساحه کشور پاکستان چهار ملیت بزرگ، که ۹۷،۴٪ نفوس آنرا احتوا میکند، زیست دارند: دو ملیت آن پنجابی ها- ۶۴٪ و سندی ها- ۱۴٪ که به نژاد گروه هندو آریایی تعلق دارند، دو ملیت دیگر آن، پشتون ها - ۱۷٪ و بلوچ ها - ۳،۵٪، که به گروه های

کوچک ایرانی زبان مربوط اند. بدین ترتیب مردمان ایرانی زبان در سه چهارم قلمروی پاکستان بودوباش دارند.

الحاق مناطق اصلی پشتون نشین به قلمروی پاکستان در نتیجه سیاست استعماری انگلیس در سده نهم هجری که بخش اعظم مناطق قبایل پشتون در ترکیب هند بریتانیایی گنجانیده شد، تسجیل گردید. در سال ۱۹۴۷ این مناطق به دولت نو بنیاد پاکستان به مثابه میراث خوار استعمار تعلق گرفت.

تاریخ ایجاد ادبیات زبان پشتو با تاریخ ملیت افغان پیوند ناگسستنی دارد. زبان پشتو دارای لهجه های قبیله ای و منطقه ای گوناگون می باشد. علل فراوانی لهجه های متمایز قیل از همه در آنست که بخش اعظم اهالی پشتون تا هم اکنون ساختار اجتماعی ابتدایی تباری و قبیله ای خود را حفظ کرده اند. لهجه های زبان افغانی (پشتو) را از نگاه صدانشناسی (فونیتیک)، دستور زبان (گرامری) و واژه شناسی میتوان در سه دسته جمع بندی کرد، مانند: لهجه غربی (قندهاری)، لهجه خاوری (جلال آبادی و پشاور) و لهجه جنوبی (پکتیایی و وزیرستانی). (۳، ص. ۳-۴).

افغانستان کشوری است دارای تاریخ کهن و شگوفان پیش از سده هژدهم قلمروی کنونی افغانستان در ترکیب دولت های بزرگ و مقتدر این بخش آسیا قرار داشت. در هیچ یک از این دولت ها افغان ها بحیث یک گروه تباری (ایتنس) حاکمیت دولتی را در اختیار نداشتند و زبان شان در هیچ یک از این دولت ها حیثیت زبان رسمی را نداشت. شرایط اجتماعی و سیاسی برای ایجاد زبان افغانی که برای همه قبایل پشتون مشترک باشد مهیا نبود. فقط در سده هژدهم با تشکیل امپراتوری درانی که در آن قدرت حاکمه را قبایل افغان قبض کرده بودند، این زمینه مساعد گردید. پیشرفت های عمده اجتماعی و سیاسی این دولت بالای عرصه های حیات اجتماعی همه قبایل افغان اثر گذاشته و زمینه ایجاد و رشد زبان ادبی افغانی را مهیا ساخت تا زبان پشتو در بستر ادبی خود شکل گیرد. در این جا واقعیت عجیبی استنتاج میشود که چگونه رشد و ایجاد زبان ادبی با سطح تحکیم و تمرکز ملی پیوند عمیق دارد. اتحاد قبایل افغان زمینه پیدایش قواعد زبان پشتو را به صورت نسبی تامین کرد، تا در آینده زبان ادبی افغانی به نوبه خود بتواند شرایط اتحاد وسیعی قبایل افغان را مهیا سازد. اما زبان افغانی درین دوره نتوانست بصورت کل نقش خود را در جهت اتحاد قبایل افغان ایفا کند. عامل عمده بازدارنده این امر در آن بود که در ترکیب دولت نو بنیاد درانی کتله بزرگ نفوس کشور را مردمانی تشکیل میدادند که به زبان فارسی تکلم میکردند و زبان فارسی در آن عهد و بسیار پیش از آن به حیث زبان پیشرفته ادبی با شیوه های دقیق دستوری تکامل یافته و بدون رقیب به صورت مستحکم در همه عرصه های امور دولتی و اجتماعی تسلط داشت. (۵، ص. ۳۱-۳۲).

باید خاطر نشان ساخت که با وجود پیدایش دولت واحد افغانی در سده هژدهم و ایجاد آثار ادبی به زبان افغانی، این زبان بصورت کامل تدوین نشده و به گونه ای که ایجاب میکرد، رشد نیافت، بنابراین زبان ادبی افغانی بصورت یکسان میان قبایل پشتون نفوذ نکرده و زمینه اتحاد بعدی و همه جانبه آنها را مساعد نساخت، که مسلماً اکثر اوقات این عامل با منافع سیاسی دولت درانی سازگاری نداشت. چنانچه امپراتوری درانی در نتیجه عوامل متعددی که یکی از مهمترین آنها ضعف مرکزیت بود، در آغاز سده نهم متلاشی شده و بجای آن چندین منطقه خان نشین های

مستقل و نیمه مستقل که بزرگترین و نیرومندترین آنها حکمرانی کابل بود، بوجود آمد. در سده نهم خطر اشغال افغانستان توسط بریتانیای کبیر بروز کرد که در نتیجه آن حاکمان کابل تلاش به خرج دادند تا کشور را متحد و متمرکز سازند. همزمان با روند تمرکز و اتحاد کشور نقش زبان افغانی به مثابه زبان ملی در مقابل سایر زبان ها ارتقا یافت. افغانستان درین هنگام توانست استقلال خود را حفظ کند، مگر سیاست خارجی آن تحت نظارت بریتانیای کبیر قرار گرفته و از جانب آن کشور پیش برده میشد. این وضع تا سال ۱۹۱۹ تا هنگامی دوام کرد که در افغانستان قیام های ضد انگلیس در جهت کسب استقلال آغاز گردید و انگلیس ها ناگزیر استقلال این کشور را برسمیت شناختند.

پس از آن افغانستان در راه رشد و انکشاف در همه عرصه های حیاتی بصورت سریع گام برداشت. از میان قبایل پشتون روشنفکران متعدد و نسبتاً فعال پا به عرصه وجود گذاشتند، در بسیاری از دوایر و عرصه های دولتی کارمندان و مامورین پشتون به کار استخدام شدند. آنها مساعی بس فراوانی بخرج دادند تا زبان افغانی موقف رسمی و دولتی را کسب کند. بنابراین در ۱۹۳۶ زبان پشتو (در پهلوی زبان فارسی) بحیث زبان رسمی دولتی اعلام گردید که از همین هنگام رشد سریع این زبان آغاز مییابد. (۴، ص ۹).

چنانچه انتظار میرفت پایه ایجاد زبان ادبی پشتو را در آن زمان لهجه غربی (لهجه قندهاری) تشکیل میداد، زیرا در آن هنگام مناطق غربی نسبت به مناطق خاوری، که در آن قبایل افغان سکونت داشتند، از نگاه رشد ساختار اجتماعی در سطح بالاتری قرار داشتند. مناطق غربی (قندهار) در تدارک مقاومت های آزادیخواهی در برابر اشغالگران انگلیس نقش اساسی داشته و از اثرات چند جنگ میان افغان و انگلیس کمتر آسیب دیدند. در آن هنگام زمامداران افغانستان، بسیاری از اعضای حکومت و تعداد زیادی از روشنفکران و منورین از مناطق جنوبی و جنوب غربی برخاسته بودند. قندهار پیش از آن همیشه بحیث یکی از مراکز اتحاد و همبستگی قبایل پشتون جنوبی به شمار رفته و دایم در سرنوشت همه افغان ها نقش اساسی را به عهده داشته است. اما در مناطق مسکونی پشتون های خاوری وضع بگونه غیر از آن بود. مرکز تاریخی آنها، شهر پشاور به قلمروی هند بریتانیایی ملحق گردید. تجزیه اقوام و قبایل پشتون بدو قسمت به رشد، پیشرفت، اتحاد و تحکیم تمام پشتون ها خساره بزرگی وارد کرد، بویژه اثر منفی آن بالای پشتون های خاوری بیشتر محسوس بود. در شرایط تقسیم پشتون ها توسط خط مرزی دیورند در سال های پنجاه سده گذشته، زبان ادبی پشتو نه تنها بر مبنای لهجه های غربی رشد کرد، بلکه این پیشرفت لهجه های خاوری را که عمدتاً در قلمروی پاکستان ارایه گردیده است، نیز در بر گرفت. (۵، ص ۳۲-۳۳).

لهجه های غربی در آغاز بالای زبان ادبی پشتو اثرات قابل ملاحظه یی بجا گذاشت. البته این امر قبل از همه چنین توضیح میشود که در جنوب و جنوب شرق در مناطق قبایل پشتون، سوای مناطق دیگر، هنوز هم، ساختار اجتماعی بدوی، اشکال زنده گی قبیلہ یی و طایفه یی، اشکال حیات گروهی سر بسته و بدون ارتباط با یکدیگر، عنعنه مفارقت گروهی و سایر عوامل غیر همگرایی پا برجا بود، که دلیل عمده آن در درجه نخست شرایط کوهستانی منطقه میباشد. در نتیجه خطر تهاجم نیرو های استعماری انگلیس قبایل و طایفه های پشتون ناگزیر بودند که با هم

متحد شوند، اما اتحاد میان آنها به نسبت تصادم منافع قبیله‌یی متزلزل و موقتی بود. زیرا قبایل و طایفه‌های پشتون جنوبی عادتاً همیشه در حالت مقابله و دشمنی یا یک‌دیگر قرار داشتند. قشر با سواد میان آنها تقریباً وجود نداشت. پشتون‌های جنوب شرقی در رهبری امور دولت سهم فعال نداشتند، رویهم‌رفته آنها حتی در کودتا‌های خاندانی و تغییر حکومت گاه‌گاه‌ی اثرگذار بودند. سران قبایل پشتون جنوب شرقی پس از شرکت در توطیه‌های خاندانی بصورت معمول به مناطق مسکونی خود برمیگشتند و فقط تعداد کمی از آنها در کابل و یا شهرهای دیگری کشور سکونت اختیار میکردند. روابط اقتصادی جنوب شرق با پایتخت و سایر شهرهای کشور صرفاً به صادرات و فروش چوب منحصر بود. (۷، ص. ۵-۱۶). اما در نیمه سده بیستم وضع از بنیاد دستخوش تغییر گردید، فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی قبایل جنوب شرق بصورت قابل ملاحظه تشدید یافت، تعداد زیادی ناقلین ولایات جنوب شرقی (پکتیا و پکتیکا) در کابل و سایر شهرهای کشور در مناطق حاصلخیز و سیراب اسکان گردیدند. بدین ترتیب قبایل و اقوام این مناطق به اشتراک در حیات اقتصادی کشور جلب شدند.

روشنفکران و منورین زیادی از اهالی قبایل پشتون جنوبی به میان آمدند، که در رهبری دولت و امور حکومت نقش بسزایی داشتند. آنها از نگاه سخت‌کوشی، زحمت‌کشی و پشت کار بودن از روشنفکران سایر ولایات برتری دارند، زیرا شرایط دشوار زنده‌گی، تلاش همیشگی به خاطر حفظ وجود و همچنان انطباق و تربیه سخت‌قبیله‌یی، طایفه‌یی و خانواده‌گی در ولایات پکتیا و پکتیکا این ویژه‌گی را از آوان کودکی در نفس آنها خلق کرده است.

در فرهنگستان افغانی (پشتو تولنه) در افغانستان، که به بررسی و مطالعه مسایل زبان پشتو و ایجاد قواعد ادبی زبان افغانی اشتغال دارد، دانشمندان، شاعران و نویسندگان زیادی بودند که خاستگاه آنها ولایات پکتیا و پکتیکا بود. آثار ادبی که توسط آنها ایجاد شده است، نه تنها در افغانستان، بلکه در پاکستان نیز در میان پشتون‌ها مورد استفاده قرار میگیرد. بنابراین در زبان ادبی پشتو واژه‌های زیادی از لهجه پشتوی جنوبی شامل گردید. عدم موجودیت قواعد ادبی دقیق و مستقر زمینه نفوذ واژه‌های عامیانه را در زبان ادبی پشتو بصورت سهل مساعد میسازد. ظهور واژه‌های عامیانه در زبان ادبی گاهی فهم برخی از عبارات را مشکل میسازد و در عین حال زبان ادبی را غنا بخشیده، هنوز هم بیشتر باعث وحدت و همبستگی اهالی پشتون میشود، که هم‌اکنون از اهمیت بس‌بزرگی برخوردار است. روند ایجاد زبان واحد ادبی و عام شمول پشتو در حال حاضر نیز ادامه دارد.

در مراکز عمده فرهنگی پشتون‌ها (قندهار، کابل، کویته، پشاور و غیره) هم‌اکنون در جهت تشریح مساعی در عرصه تنظیم زبان ادبی پشتو اقدامات شایانی روی دست گرفته شده و روند ایجاد زبان ادبی پشتو بر مبنای زبان فرالجه‌یی بررسی و تعقیب میشود.

رحمت‌الله روند ۲۲ جنوری ۲۰۱۴ ترسایبی.

منابع:

2. Брук С.И. Население мира .Этнодемографический справочник/С.А.Брук.-М.: Наука1986- 285с.
3. Грюнберг А.Л. Очерк грамматики афганского языка(пошто) /А.Л.Грюнберг.-Л.: Наука1987.-240с.
4. Дворянков Н.А. Язык пушту/Н.А.Дворянков.-М.,1960.-100с.
5. Зарубежный восток. Языковая ситуация и языковая политика: справочник.-М. : Наука1986.-29,36.
6. Оранский И.М. Введение в иранскую филологию/И.М.Оранский .-М. : Наука 1988.
7. Сатцаев Э.Б. Южные диалекты афганского языка (пошто): фонетика ,морфология/Э.Б.Сатцаев.-Владикавказ,2010.-156с.